



آشنایی با پیشگامان بیداری اسلامی (۷) شیخ عبدالمجید سلیم

به اهتمام: حامد رستمی نجف آبادی^۱

✽ مقدمه

یکی از پیشگامان تقریب و بیداری اسلامی شیخ عبدالمجید سلیم است. این شیخ الأزهر که هدف اصلی اش وحدت و انسجام مسلمین بود، فریاد تقریب مسلمین را سر داد و به دعوت علامه محمدتقی قمی مؤسس دارالتقریب، لبیک گفت.

شاید به حق بتوان او را از بانیان تقریب در مصر دانست که با اخلاص کامل پا به عرصه تقریب گذاشت و از هیچ کوششی دریغ نکرد. در این نوشتار سعی می کنیم به معرفی ابعاد زندگی این پیشگام عرصه تقریب مذاهب بپردازیم.



(۱) تولد

عبدالمجید در یکی از شهرک‌های «مدینة الشهداء» (منوفیه) به نام «میت شهالة» در سال ۱۳۰۲ق. متولد شد. عبدالمجید از اوان کودکی به تیزهوشی و زیرکی شناخته می‌شد. وی همانند دیگر کودکان روستا با خواندن و نوشتن ابتدایی آشنا شد. با این تفاوت که تربیت و آموزش وی با علاقه و انگیزه و جدیت از سوی والدین پی‌گیری شد تا جایی که کل قرآن مجید را حفظ کرد و با تلاش فراوان در قرائت آن سعی وافر نمود.

(۲) تحصیل در الأزهر

او در دوران طلبگی شوق زیادی نسبت به کسب علوم دینی و افزایش سطح معلومات خود نسبت به دانش‌های گوناگون نشان می‌داد؛ به گونه‌ای که این موضوع توجه هم‌درسان و مدرسان الأزهر را نیز به خود جلب می‌کرد. علی‌العظیم در این باره می‌نویسد:

«او قرآن کریم را به خوبی حفظ کرد و آن‌گاه به الأزهر پیوست. او باهوش و با استعداد بود و به کسب فنون علم مشغول شد. علاقه فراوانی به گردآوری دانش‌ها داشت. به همین دلیل به دروس معمولی الأزهر اکتفا نکرد و دروس جنبی (فلسفه) را نیز خواند تا جایی که بین هم‌درسی‌ها به ابن‌سینا مشهور شد». (مشیخة‌الازهر، ج ۲، ص ۱۰۷).

(۳) استادان عبدالمجید در الأزهر

وی در این دوره از محضر اساتید بزرگ و محدثان نامداری سود برد و دروس ادبی، کلامی، حدیثی، تفسیری، فقهی و... را با موفقیت پشت سر گذاشت. علی‌العظیم به طور مختصر می‌نویسد:

«برای تحصیل، بزرگانی از استادان و مشایخ را برگزید. به درس امام محمد عبده حاضر شد و پنج سال بر آن مداومت کرد. هم‌چنین به درس شیخ حسن طویل و عالم بزرگوار احمد ابی خطوه و بزرگان دیگری از ائمه و محدثان حاضر شد». (پیشین).

محمد عبدالمنعم خفاجی بر نقش عبده در شخصیت علمی عبدالمجید به این صورت

اشاره می‌کند:

«عبدالمجید نزد امام محمد عبده تحصیل کرد و عالمی قدرتمند و شیخی بزرگوار شد». (خفاجی، ج ۱، ص ۳۰۶).

مرور زندگی سیاسی مذهبی محمد عبده، برای آشنایی با افکار و مبانی اصلاح‌گری و تقریب‌گرایانه عبدالمجید در دوره تحصیل، بسیار مهم است؛ زیرا بعدها شاگردان وی، به خصوص عبدالمجید، متأثر از استاد خود، گام‌های مهمی در راستای منویات و تفکرات او برداشتند. عبدالمجید سلیم جوان، با استادی روبه‌رو بود که در چارچوب اصلاح فکر دینی هم‌عقیده با سید جمال‌الدین اسدآبادی و تحت تأثیر تعالیم اصلاح‌طلبانه او، به احیای اندیشه دینی و ارایه تفسیری جدید از اسلام برای پاسخ‌گویی به مسایل عصر می‌اندیشید.

۴) وقایع دوران تحصیل

عبدالمجید سلیم در این دوره شاهد وضع قوانینی، نظیر قانون تشکیل مجلس اداره الأزهر، امتحان گرفتن از کسانی که می‌خواستند در الأزهر تدریس کنند، نحوه هزینه شهریه‌ها در الأزهر (در سال ۱۸۹۵ م.)، قانون مدارج علمی و بالاخره قانون جامع الأزهر (در سال ۱۸۹۶ م.) بود.

علاوه بر این امور، عبدالمجید سلیم در این دوره با وقایع تلخی هم روبه‌رو بود؛ درگذشت اساتید بزرگوارش شیخ محمد عبده و نیز شخصیت‌های علمی و اصلاح‌گر بزرگ روح او را می‌آزرد. اما بزرگ‌ترین مصیبتی که عبدالمجید به آن دچار شد، درگذشت استاد او شیخ محمد عبده بود که در سال ۱۹۰۵ م. روی داد.

ویژگی این دوره از زندگی عبدالمجید سلیم، تلاش اندیشمندان و دلسوزان اسلامی، برای بازگرداندن عزت اسلامی به جهان اسلام و ایجاد نهضت‌های اصلاح‌گری دینی است. از این رو عبدالمجید در یکی از حساس‌ترین قله‌های وقایع مربوط به جهان اسلام قرار داشت. در این بین باید به حرکت‌هایی که عبدالمجید بعدها ادامه دهنده آن شد، یعنی روند تاریخی

تقریب و وحدت اسلامی نیز توجه کرد. زمانی که عبدالمجید دو سال تا فارغ‌التحصیلی فاصله داشت، علامه شرف‌الدین موسوی عاملی در مصر با سلیم بشری، مفتی مصر ارتباطات علمی برقرار کرده و در مسیر شناخت و ارتباط بیشتر مذاهب اسلامی، تلاش می‌کرد، که حاصل این تلاش، کتاب گرانقدر «المراجعات» می‌باشد. (رک: پیشین، ص ۲۷۲-۲۶۰). این کتاب که حاصل نامه‌های دو اندیشمند اهل سنت و شیعه است به نام «رهبری امام علی (ع)» و به نام «مذهب و رهبر ما» به فارسی ترجمه و بارها چاپ و منتشر شده است.

۶) سلیم بر مسند تدریس

عبدالمجید سلیم، همانند دیگر عالمان الأزهر، به تدریس روی آورد و البته در این مسیر، درجه عالی او در فارغ‌التحصیلی از الأزهر، مشوق بزرگ و اطمینان بخش مهمی برای او به حساب می‌آمد. او با اندوخته‌های علمی فراوانی که کسب کرده بود، به تعلیم و تدریس می‌پرداخت.

۷) شاگردان عبدالمجید

در مورد شاگردان او نیز از افراد معینی غیر از «محمود شلتوت» نام برده نشده است، اما کثرت شاگردانش از نوشته‌های اهل تراجم و گزارشگران روشن می‌شود. خفاجی درباره وفات وی می‌گوید:

«خلاً بزرگی ایجاد کرد که چیزی آن را پر نمی‌کند گرچه شاگردان و مریدانی بجا گذاشت که از او به خیر و شکوه و وفا یاد می‌کنند».

۸) شلتوت شاگردی نمونه

شیخ عبدالمجید در طول دوران تدریس بی‌گمان چون چشمه‌ای جوشان هزاران تن از تشنگان علوم اسلامی را سیراب ساخته است و هر چند ما به طور دقیق از نام آنان بی‌اطلاع هستیم، ولی بارزترین شاگرد او «شیخ شلتوت» را به خوبی می‌شناسیم. شیخ شلتوت چنان متأثر از استادش عبدالمجید بود که بعدها در مسیر تقریب بین مذاهب، راه

استاد را تداوم بخشید. مهم‌ترین اقدام وی فتوای معروف او در به رسمیت شناختن مذهب شیعه در کنار مذاهب اهل سنت است که دنباله تلاش‌های شیخ سلیم بود. این فتوا اصلی از اصول اساسی تقریب بود و در حقیقت این فتوای یک نفر نبود، بلکه فتوای شخصیت‌هایی بود که بار امانت تقریب را به دوش کشیدند و در طلیعه آن استاد بزرگ عبدالمجید سلیم قرار داشت. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۷۰).

۹) شیخ عبدالمجید بر مسند قضاوت

عبدالمجید سلیم با کوله‌باری از تجربه‌های تلخ عصر اشغال و تحقیر، کوشید در حد توان خود باری از دوش ملت بردارد و در فضایی که امکان بیان افکار و تبلیغات دینی وجود نداشت، بر مسند قضاوت تکیه زد. وی در سال ۱۹۲۶م. وارد کار قضاوت شد. در مسند قضاوت روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی او، زبانزد بود و همه کسانی که با او آشنا بودند، از آن سخن می‌گویند.

علامه محمدتقی قمی دبیر کل دارالتقریب می‌نویسد:

«شیخ عبدالمجید سلیم... نسبت به ظلم هم نهایت حساسیت داشت.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۱؛ ر.ک: احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵ از آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی).

هم‌چنین شیخ حسنین محمد مخلوف مفتی مصر درباره عبدالمجید و دوره قضاوت وی می‌گوید:

«او را برای قضاوت برگزیدند و دو سال قضاوت کرد... شیخ عبدالمجید سلیم را به عنوان قاضی پاکیزه، عالمی توانا، فقیهی مجتهد، مردی صالح و تقوایشه، برادری باوفا و صبوری مخلص هرگز فراموش نمی‌کنم، او را که آزار دید و مورد هجوم قرار گرفت و تحت فشار بود، علم و عالمان در الأزهر و غیر آن از او محروم شدند. تاریخ به زودی از مواضع مهم و شجاعت و قوت ایمان و صلابت عقیده وی یاد خواهد کرد.» (رسالة الاسلام، سال ۶، ص ۴۳۶-۴۳۰).

۱۰) آغاز خدمت در دار الافتاء (۱۹۵۲-۱۹۲۸م)

عبدالمجید سلیم بعد از گذشت دو سال از تصدی‌گری مقام قضاوت، در سال ۱۹۲۸م. وارد دارالافتاء شد. خفاجی در مورد تعداد فتواهای صادر شده از طرف وی در این دوره طولانی می‌نویسد: «بیش از پنج هزار فتوا دارد». (خفاجی، ج ۱، ص ۳۰۶).

و استاد احمد عسکری آن را پانزده هزار مورد ذکر می‌کند (رسالة الاسلام، سال ۶، ص ۴۳۴؛ به نقل از الاهرام) که این نظر به صواب نزدیک‌تر است.

عبدالمجید سلیم در میان فقهای الأزهر، همواره از پرکارترین افراد بود و تعداد فتواهایش این نظر را تأیید می‌کند. نکته مهم در فتواهای عبدالمجید این است که به رغم کثرت آن‌ها، مبانی عمیق فقهی و علمی در آن‌ها به چشم می‌خورد و او هرگز تعمق و تفقه در فتوا را فدای کثرت صدور فتوا نکرده است. استاد شیخ احمد العسکری در این باره می‌نویسد:

«او فتوا دارد که هزاران مورد از آن‌ها دارای مبادی علمی هستند» (رسالة الاسلام، پیشین).

۱۱) سلیم در هیئت «کبار العلما»

هیئت کبار العلما مجموعه‌ای متشکل از نخبگان علمی الأزهر است که رئیس الأزهر را انتخاب می‌کند. شرط ورود به این هیئت، داشتن ویژگی‌های برجسته علمی و مذهبی است که عبدالمجید سلیم از آن برخوردار بود.

او در این موقعیت نیز نبوغ علمی خود را نشان داد و در شمار برجستگان این هیئت درآمد. در این هیئت، عبدالمجید سلیم علاوه بر امور معمول، به مشکلات و معضلات اجتماعی و مذهبی نیز توجه داشت و در صورت بروز پیش‌آمدی خاص، برای حل آن تلاش می‌نمود. نمونه آن را می‌توان در مبارزه با مفسدات اخلاقی در جامعه دانست. ورود عبدالمجید به هیئت کبار العلما هم‌زمان با اوج انحطاط مصر از لحاظ اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی بود.

۱۲) ریاست الأزهر

منش سیاسی عبدالمجید سلیم به زودی تأثیر خود را در آینده سیاسی و علمی وی نشان

داد. عبدالمجید سلیم در سال ۱۹۵۰م. مقام ریاست الزهرا را عهده‌دار شد.

او بعد از کناره‌گیری از الازهر با اهتمام تمام در دارالتقریب شروع به فعالیت کرد. خودش در این باره گفته بود:

«من نور این رسالت تقریب و وحدت اسلامی را خواستم در الازهر تعقیب کنم؛ رسالتی که به مصلحت اسلام است، اما دیدم که این دستگاه زنگ زده شده و دنباله‌رو جاهایی است که نباید باشد. و از این به بعد من اهتمام به تقریب زیادتر خواهد بود و دارالتقریب جایی است که ما می‌توانیم دور از این عوامل کار بکنیم». (بی‌آزار شیرازی، پیشین، ص ۱۲۹).

در سال ۱۹۵۲م. (کم‌تر از دو سال بعد از کناره‌گیری سلیم از ریاست الازهر) بار دیگر با تقاضا و خواهش، عبدالمجید سلیم را به الازهر برگرداندند، که این امر مصادف با انقلاب مصر بود. در دولت جمال عبدالناصر هم سلیم موضع مساعدی نداشت از این رو نتوانست با دولت همکاری کند و سرانجام کناره‌گیری کرد.

۱۳) گام‌های نخستین تقریب و همبستگی

در سال ۱۹۳۸م. استاد محمدتقی قمی وارد مصر شد. وی یک روحانی ایرانی بود که برای انجام امور فرهنگی از سوی دولت ایران به مصر اعزام شده بود، اما او با الازهر تماس گرفت و در نتیجه، با شیوخ بزرگواری چون عبدالمجید سلیم، محمود شلتوت، محمد فحام، محمد ابوزهره، محمد غزالی، حسن البنا و... آشنا شد.

وی لزوم رعایت دعوت مرحله‌ای برای دستیابی به هدف تقریب را یادآور شد. او در سخنانی که ۲۵ سال بعد از آغاز تقریب بیان کرده است، می‌گوید:

«خداوند اراده فرمود که اندیشه‌ای اصیل و خالص که پیرامون آن تحقیق و بررسی انجام گردیده بود، به صورت دعوتی اصلاحی و دینی بر عالم اسلام طلوع نماید؛ اندیشه‌ای که بزرگ‌ترین درد و گرفتاری مسلمانان را که تفرّق و پراکندگی است، درمان می‌سازد».

زمانی که اندیشه تقریب شکل گرفت بسیاری به مبارزه با آن برخاستند. توده مردم انتظاری نداشتند که نکته‌ای از تقریب بشنوند، بنابراین چاره‌ای نبود که قبل از اقدام به اصلاح، محیط را برای اصلاح مساعد کنند. به این ترتیب، اندیشه تقریب، سه مرحله را پشت سر گذاشت: ۱. تمهید؛ ۲. تکوین؛ ۳. اجرا.

۱۴) مرحله مقدماتی تقریب

مرحله آغازین تقریب از سال ۱۹۳۸م. (ورود قمی به مصر) تا سال ۱۹۴۶م. به طول کشید. در این دوره ریاست الأُزهر تا سال ۱۹۴۴م. با مراغی و بعد از آن (۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸م.) با مصطفی عبدالرزاق بود. در این دوره عبدالمجید هم‌چنان مفتی دیار مصر بود و هر دو رئیس الأُزهر، با وی ارتباطات گرمی داشتند و در مراحل تمهید و تکوین از او یاری جستند. محمدتقی قمی درباره جایگاه شیخ مراغی در الأُزهر و آنگاه تمهید او برای ورود عبدالمجید سلیم به جریان تقریب می‌نویسد:

«مراغی مردی با وقار و با شخصیت و دارای فکری منظم و هماهنگ و بینشی وسیع بود. در اولین ملاقات، ایمان او را نسبت به اندیشه تقریب دریافتم، ... ما را با کسانی که به علم و استعدادشان نسبت به تحقیقات علمی اعتراف داشت و در آن‌ها میل و علاقه به تقریب می‌دید آشنا کرد. او مردی فعال بود و در ایجاد ارتباط میان اشخاص و اتفاق بر نقاط اساسی سهم بسزایی داشت. او محیط را برای بعضی از بزرگان و علمای دین که در صدر آن‌ها شیخ مصطفی عبدالرزاق و شیخ عبدالمجید سلیم قرار داشتند آماده ساخت. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۴۵-۶۶).

خدمت بزرگی که مصطفی مراغی به جریان تقریب کرد، برگزیدن و شناساندن افرادی بود که می‌توانستند در مسیر تقریب مفید واقع شوند و البته در این میان شخصیت علمی عبدالمجید سلیم چنان برجسته بود که در صدر فهرست پیشنهادی مراغی قرار گرفت.

دکتر بی‌آزار شیرازی در مقدمه چاپ اول کتاب همبستگی مذاهب اسلامی می‌نویسد:

«از مهم‌ترین پایه‌های استقرار دعوت تقریب، پیوستن شخصیت‌های بزرگ و استثنایی

عالم اسلام به آن بود، از جمله:.... ب: شیخ عبدالمجید سلیم مرجع بزرگ افتاء و فقاہت اهل سنت، شخصیت وزین و قابل اعتنایی که از حیث وسعت معلومات و فضایل اخلاقی کم نظیر بود». (پیشین، ص ۸ و ۳۷).

۱۵) مرحله تکوین و تجهیز تقریب

نقش دادن شیخ مراغی در مرحله تکوین و تجهیز تقریب به اشخاصی چون عبدالمجید سلیم و مصطفی عبدالرزاق همواره مورد تشویق و اعجاب محمدتقی قمی بانی و مؤسس تقریب بود. با این حال او عبدالرزاق را قهرمان مرحله دوم، یعنی تکوین و پیدایش تقریب، می داند.

این مرحله با تصویب قانون تقریب در سال ۱۹۴۷ م. با موفقیت به پایان رسید که از افراد دخیل در آن می توان به عبدالمجید سلیم رئیس هیئت فتوای دانشگاه الأزهر اشاره کرد. به گفته مرحوم قمی، در این مرحله شیخ مصطفی عبدالرزاق رئیس الأزهر در کنار این دعوت ولی خارج از جمعیت تقریب باقی ماند تا هنگام بحران بهتر بتواند آنان را کمک کند و در واقع نقش سپر دفاعی را به شیخ عبدالمجید سلیم واگذار کرد. علامه محمدتقی قمی تصریح می کند که در آن موقعیت، مصطفی عبدالرزاق، سلیم را شیخ مسلم علما و افقه آن ها می دانست. به این ترتیب، شیخ سلیم وارد تقریب شد. در این مرحله مشکلات زیادی برای تقریب پیش آمد، ولی همگی با درایت و ایمان و ایستادگی مصطفی عبدالرزاق، عبدالمجید سلیم و محمدتقی قمی و... پشت سر گذاشته شد. محمدتقی قمی می نویسد:

«و این مرحله، مرحله ای بود که شیخ بزرگ عبدالمجید سلیم با جهد و کوشش و علم و ایمان به جانب تقریب آمد. بعد از مدت کوتاهی شیخ مصطفی عبدالرزاق به سوی پروردگار خود بازگشت، گویی ایشان رسالتی برعهده داشت که آن را به انجام رسانید و رفت». (پیشین).

به این ترتیب، گزینش عبدالمجید از سوی عبدالرزاق و به کار بردن عباراتی چون شیخ مسلم علما و فقیه ترین عالمان، نشان از وزانت علمی وی دارد که تا آن موقع به آن دست

یافته بود. از این رو با کوله‌باری از علم و دانش به یاری تقریب شتافت تا آینده‌ای متحد برای جهان اسلام رقم زند. از مراحل حساس دوران تکوین، زمان مربوط به تنظیم قانون جمعیت تقریب بود که علم و دانش عالی عبدالمجید در این مرحله نیز به کمک تقریب شتافت تا آن جا که استاد قمی می‌نویسد: «عبدالرزاق بعضی از اعضای علمای الأزهر را انتخاب کرد و بعضی از نقاط اساسی قانون جمعیت تقریب از آثار فکری اوست» (پیشین، ص ۴۶).

همان‌گونه که عبدالرزاق و علمای دخیل در تقریب پیش‌بینی کرده بودند، به زودی موجی از مخالفت‌ها علیه نهضت تقریب برخاست و درستی تحلیل و پیش‌بینی اعضا را نشان داد.

در این مقطع که عبدالمجید به همراه یارانش در پی ایجاد طرحی برای ایجاد الفت بین مسلمین بودند، به تعبیر شیخ شلتوت، محیط عمومی پر از سرزنش‌ها و تهمت‌ها و آمیخته به افترا و سوءظن فرقه‌ها نسبت به یک‌دیگر گردید. تشکیل جماعت تقریب از مذاهب مختلف اسلامی (مذاهب چهارگانه اهل سنت و «مذهب شیعه امامی و زیدی») پیروزی آشکاری بود که کینه‌توزان را هراسان ساخت. (پیشین، ص ۲۴۶).

۱۶) مرحله اجرایی و نهایی تقریب

بخشی از چهره سیاسی عبدالمجید سلیم را باید در دارالتقریب جست‌وجو کرد، شیخ سلیم با حضور در دارالتقریب منشأ آثار زیادی شد، هم از لحاظ علمی و اجتماعی، هم از لحاظ جلب شخصیت‌های جدید به دارالتقریب که پشتوانه آینده آن شدند، مانند شاگردش شیخ شلتوت، و هم از جهت دفاع مستحکم در برابر حمله برخی شیوخ الأزهر به اندیشه اصلاح‌گرایانه در باب تقریب بین مذاهب اسلامی. (ر.ک: موثقی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۸).

محمدتقی قمی به صورت فهرست‌وار درباره این دوره از زندگی وی می‌نویسد:

«میزان علاقه و دلبستگی وی به تقریب به گونه‌ای بود که وی با این که پس از چند سال رییس الأزهر شد، باز به عضویت خود در جمعیت ادامه داد و حتی بیش‌تر نامه‌های خود را با عنوان شیخ الأزهر و نایب رییس جمعیت تقریب امضا می‌کرد. در عهد او بود

که فصل تازه‌ای در ارتباط میان سنی و شیعه گشوده شد. او باب نامه‌نگاری را با علمای شیعه گشود و پاسخ آن‌ها را دریافت نمود و برای اولین بار دانشگاه الأزهر را که منحصر به مذاهب چهارگانه تسنن بود، به صورت دانشگاه عمومی اسلامی درآورد تا به ماده واحده‌ای که راجع به دانشگاه‌های اسلامی در قانون اساسی تقریب آمده بود، عمل کند و او برای اولین بار بعضی از احکام و قوانین شیعه را که در نظرش از سایر قوانین بهتر بود، در قانون مصر در قوانین مربوط به احوال شخصی وارد کرد و او بود که به دارالتقریب پیشنهاد چاپ تفسیر مجمع‌البیان را داد». (پیشین، ص ۴۸ و ۴۷).

۱۷) شیخ سلیم در برابر فتنه تفرقه

از آغاز فعالیت دارالتقریب بیش از همه مخالفان، دو جریان در پیوند با هم، علیه این جمعیت و همبستگی آن وارد عمل شدند؛ یکی استعمار و سیاست‌های استعماری و دیگری نویسندگان مزدور وابسته به استعمار که انواع کتاب‌ها و تبلیغات دورغ را علیه شیعه نشر می‌دادند. در حالی که شیخ سلیم در راستای اهداف مقدس دارالتقریب مشغول تهیه مقدمات صدور فتوای جواز پیروی از مذهب شیعه بود، ایادی استعمار و دشمنان مشترک شیعه و سنی، کتابی را از یکی از علمای شیعه دوره صفویه علیه اهل سنت و شیخین - ظاهراً کتاب منسوب به شیخ علی کرکی است - از طریق پست برای تمام اعضای دارالتقریب فرستادند. این کتاب در بسته‌هایی با عنوان «نفحات اللاهوت فی وجوب سبّ الجبّ و الطاغوت» ارسال گردید، بدون این که تاریخ چاپ یا نام چاپ‌خانه یا کشور محل چاپ در آن معلوم باشد. به علاوه، هر کدام از بسته‌ها از کشورهای مختلف اروپایی فرستاده شده بود و معلوم نبود که مبدأ، کدام یک از این کشورها است. کار ارسال این بسته‌ها هم جهت اطمینان از رسیدن آن به دست اعضای تقریب، دوبار صورت گرفته بود.

توزیع این کتاب، فتنه و هنگامه‌ای برپا کرد، به خصوص برای جمعیت تقریب که با زحمت در دارالتقریب شرکت می‌کردند و مورد ملامت مردم و متعصبان بودند.

رجال تقریب در اولین جلسه‌ای که به دنبال این جریان گرفتند، با عصبانیت زیاد

نسخه‌ای از این کتاب را به یک‌دیگر نشان داده و گفتند: «ما آمده‌ایم این‌جا چه کار کنیم؟ ما چه الزامی داشتیم که با دچار کردن خود به انواع گرفتاری‌ها، از شیعه‌ای دفاع کنیم که این چنین نسبت به اصحاب بدگویی می‌کند و تا این حد پیش رفته است؟»

پس از پایان سخنان مخالفین، شیخ عبدالمجید سلیم برخاست و گفت: «ای برادران! اگر کسی پدران شما را سب و لعن کند او را از اسلام خارج می‌دانید؟ برادری دینی خود را با او قطع می‌کنید؟ گفتند: نه.

شیخ گفت:

اصحاب نیز پدران روحانی ما هستند و اگر کسی نسبت به بعضی از آن‌ها دچار بدبینی بوده و به آن‌ها ناسزا گوید، موجب خروج وی از اسلام و برادری اسلامی نخواهد گشت. به علاوه، اگر این مصائب و تفرقه و جدایی‌ها نبود که لزومی نداشت ما در این‌جا دور هم جمع شویم. ما در این‌جا گرد هم آمده‌ایم تا مشکلات و بیماری‌های اجتماعی را بررسی کنیم و به درمان اساسی آن‌ها بپردازیم.»

بالاخره شیخ عبدالمجید سلیم آن‌ها را آرام ساخت اما این توطئه باعث شد که شیخ نتواند فتوای تاریخی خود را مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه صادر کند و این کار چندین سال به تأخیر افتاد تا این که به دست شاگرد توانایش شیخ محمود شلتوت انجام گرفت. این افتخار بزرگی برای تمام مسلمانان جهان بود، زیرا تا کنون هیچ یک از مذاهب جهان نتوانسته‌اند میان خود این چنین تقریب و همبستگی برقرار سازند. چنان‌که یکی از شعبه‌های مسیحیت، یعنی کاتولیک، گذشته از این که شعبه دیگر مسیحیت، یعنی پروتستان، را به هیچ وجه قبول ندارد، نتوانست حتی عقد ازدواج هر یک از فرقه‌های خود را به دیگری بقبولاند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۴-۱۹۱ و بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۳).

۱۸) ارتباط سلیم با آیت الله بروجردی

گام دیگری که عبدالمجید سلیم و دیگر ارکان تقریب در مسیر گسترش تقریب برداشتند

ایجاد ارتباط‌های گسترده با عالمان دیگر کشورها و مذاهب بود. این ارتباطات با علمای کشورهای گوناگون مانند پاکستان، برخی کشورهای آفریقایی و... ادامه یافت و بارها تا مراحل حل مشکلات آنان پیش رفت. در این میان، ارتباط عبدالمجید سلیم و بعد از وی شاگردش شیخ محمود شلتوت با علمای شیعه به عنوان صاحبان فقه پویا و مجتهدان آزاداندیش، توجه محققان را به خود جلب می‌کند. ارتباطات از طرق مختلف مانند مکاتبه، اعزام نماینده، ملاقات و... انجام می‌گرفت. در یکی از این نامه‌ها، شیخ سلیم به آیت‌الله بروجردی که پیامی شفاهی برایش فرستاده بود، می‌نویسد:

«پیام شفاهی از طریق آقای قمی رسید. از حمایت‌ها و اعتماد حضرت عالی به این جانب و از این که فکر تقریب بین مذاهب اسلامی مورد عنایت فراوان شماست تشکر می‌کنم.»
 (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۷ و ۲۷۶).

سپس با اشاره به دسیسه‌های گذشته مغرضین در باز داشتن مسلمین از حق فهم و درک صحیح اسلام و ایجاد تفرقه و اختلاف، لزوم تبادل رأی و مشورت میان آنان را تأکید می‌کند و نخستین قدم واجب برای علما را این می‌داند که «آنچه را مربوط به این افتراق و پراکندگی است از اذهان مردم دور سازیم و صفحات روشن و طرح‌های اسلامی و شریعت سهل و آسان اسلام را انتشار دهیم».

آیت‌الله بروجردی نیز در جواب، نامه‌ای به ایشان نوشت و در آن نامه از هدف تقریب، تمجید فراوان نموده و متذکر شد که من هم تا جایی که امکان داشته باشد برای از بین بردن موجبات نفاق کوشش و جدیت می‌کنم. هم‌چنین نامه‌های دیگری بین آنها رد و بدل شد. علامه محمدتقی قمی درباره میزان احترام عبدالمجید سلیم به آیت‌الله بروجردی در مسیر تقریب بین مذاهب می‌نویسد:

«هرگاه نامه آیت‌الله بروجردی را برای شیخ عبدالمجید سلیم، رئیس جامع الأزهر، می‌بردم، ایشان بلند می‌شدند و نامه را می‌گرفتند و می‌بوسیدند و آن‌گاه می‌نشستند.»
 (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

میزان اهتمام عبدالمجید سلیم و دست‌اندرکاران تقریب به ارتباط با علمای مذاهب، به‌ویژه آیت‌الله بروجردی، به حدی بود که حتی اخبار مربوط به مریضی و سلامتی وی را هم در رساله‌الاسلام یادآور می‌شدند و به این طریق بر پیوند دشمن‌شکن مسلمین در هر فرصتی افزوده می‌شد.

۱۹) آثار عبدالمجید سلیم

از این شخصیت مذهبی، علمی و اجتماعی، آثار زیادی در حوزه‌های مذهبی و اجتماعی بر جای مانده که مجموعه سخنرانی‌ها و فتوای وی از آن جمله است. محمد عبدالمنعم خفاجی می‌نویسد: «آثار زیادی در الازهر بر جای گذاشت». (خفاجی، ج ۱، ص ۲۵۷).

الف) فتواها:

از این عالم بزرگ نزدیک به پانزده هزار فتوای شرعی بر جای مانده است که بی‌گمان گردآوری آن در بازشناسی شخصیت علمی و مذهبی وی، تأثیری اساسی خواهد داشت.

ب) پیرامون تقریب

در این بخش نیز نوشته‌ها، نامه‌ها و رساله‌های مختلفی از وی بر جای مانده است. رساله‌های خطی به جای مانده از او گویای ابعاد دیگری از شخصیت وی مانند شجاعت در قول حق و آشکار کردن آن است. (پیشین).

خفاجی درباره آثار او چنین می‌گوید: «در مسیر تفاهم طوایف اسلامی و... کتاب‌ها و رساله‌ها و نامه‌هایی بین او و بسیاری از علمای شهرهای اسلامی رد و بدل گردید. ارزش‌های او به مصر محدود نیست بلکه به آفاق اسلام و تمام طوایف رسید. از وی آثاری خطی بر جای مانده که در آن‌ها شجاعت در بیان سخن حق و آشکار کردن آن نزد حکام بدون خوف و پرهیز دیده می‌شود». (پیشین، ص ۲).

* خاتمه

شیخ عبدالمجید سلیم که تحت تأثیر فقه شیعه، و روح علمی فقهای شیعه بود، بسیار مایل بود که شیعه را از این انزوا و موقعیتی که برایش درست کرده‌اند، در آن زمان خارج سازد، و به هنگام ریاست الأزهر در صدد بود که اجتهاد و تقلید را از انحصار چهار مکتب فقهی معروف در آورد و فتوایی بر جواز پیروی از مذهب شیعه صادر کند. اگر با آن موقعیت عظیم علمی وی، این فتوی به دست شیخ عبدالمجید سلیم صادر شده بود؛ بسیار ذی‌قیمت بود. امید است که علمای جهان اسلام، چنین مصلحانی را سرلوحه کار خود قرار دهند، و به روشنگری و ارشاد امت اسلامی بر پایه اصل اتحاد و تقریب مذاهب اسلامی پردازند.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی و دیگران، چشم و چراغ مرجعیت، مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۹.
۳. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، اسلام آیین همبستگی، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۵۴.
۴. همو، توحید کلمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۰۴، ج ۲.
۵. همو، شیخ محمود شلتوت، طلایه‌دار تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
۶. همو، همبستگی مذاهب اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی)، تهران، ۱۳۷۷.
۷. بیومی، محمدرجب، الأزهر بین السیاسة و حرية الفکر، القاهرة، دار الهلال، ۱۹۸۳ م.
۸. خاطرات حسن البنا، ترجمه استاد جلال‌الدین فارسی.
۹. خفاجی، محمد عبدالمنعم، الأزهر فی الف عام، ج ۱.
۱۰. دجاج، بایار، دانشگاه الأزهر، تاریخ هزار ساله تعلیمات اسلامی، ترجمه آذرمیدخت و مشایخ فریدنی.
۱۱. رساله الاسلام، مجله اسلامیة عالمیة، دار التقرب بین المذاهب اسلامیة، قاهره، سال ۶.
۱۲. رضوی، مرتضی، فی سبیل الوحدة الاسلامیة، مطبوعات النجاج بالقاهرة.
۱۳. رفعت سید احمد، الدین و الدولة و الثورة، الدار الشرقیة.
۱۴. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، قم، ۱۳۷۱، ج ۲.
۱۵. نقوی، علی محمد، شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، تهران، ۱۳۶۱.